

جریان روز

دعوا بر سر پست ریاست

امادر پس پرده معلوم نیست

هفته این بود که اعتبارنامه قی زاده مقدم بر سایر اعتبارنامه ها مطرح شود و بعد که صلاحیت شخص او اعتراض شد، گفته شود چون موضوع صلاحیت شخصی ایشان است باید بماند تا خود ایشان بیایند و از خودشان دفاع کنند و آن را از دستور خارج کنند.

این نقشه خوب اجرا گردید، اول وقت پیشنهاد مجلس پستنامه ای تقدیم شد مبنی بر اینکه انصاف نیست اعتبارنامه مرده شریف ویا کدانی چون آقای قی زاده که مورد توجه ملت ایران و نمایندگان مجلس میباشد در بوطه اجمال بماند و در ردیف شانزدهم باشد، شایسته است مقدم بر همه قرار گرفته و امروز قبل از هر کاری بتصویب برسد. بعضی ها ملکت پکت مطنه منفی شده بودند و برخی خبر نداشتند و بظاهر سخنان گرفته شده و بالاخره با کمال صداقت اکثریت باین پیشنهاد فریفته رای داده.

نقشه مخفی پیشرفت کرد و وحلانی سکه در اول تشکیل حزب توده که مؤسس آن بوده بر این مرده شریف وارد کرده و در روزنامه سیاست او نان حزب توده نوشته بود خواند، اوراقی هم از این طرف و آن طرف جمع کرده بود که باین اسناد و اوراق مسقطه آموخود اضافه کرده، کاملاً معلوم بود قضیه از اینجا آب میخورد.

باری قضیه امتیاز نفت جنوب را پیش کشید، شاید تصدیق هم در این کار بود.

و بالاخره سخن اینکه او حرفهایش تمام شد پیشنهادی داده شد که پرونده انصاف قی زاده از دستور خارج شود بماند تا وقتی خود ایشان بیایند و جواب بدهند. بعضی گفته صحیح است و بعضی مخالف بودند ولی چون پرده از اسرار برداشته شده بود و نمایندگان شخص موضوع را داده بودند دیگر نتوانستند نقشه دوم را اجرا کنند و مجلس برهم خورد جنجال و گفتگو به بیرون مجلس کشیده شد در ملاطرها حدی نداشت چرا راضی میشوید مرده شریف را اینگونه تهمت و افترا بزنند و نیبنداری از او دفاع شود، بعضی ها گفتند باید دفاع را خود ایشان نمایند بعضی معتقد بودند که جواب یک مشت مسقطه چه احتیاج بآمدن نماینده دارد بگذارید جواب داده شود و مجلس رای خود را بدهد.

در نتیجه قضیه عقیم ماند و دیگر مجلس تشکیل نشد.

هفته آتیه که بایشان مقدم داشتن اعتبارنامه قی زاده موافقت کرده بودند از این نبرک حاج وواج شده بودند، دیگر گذشته بود، کاری است شده باید چاره اندیشی کرد.

درین قسمت ققاید و افکار مختلف بود، بعضی عقیده مند بودند حالا که این مخالفت شده و عباس میرزا اسکندری آقای قی زاده را صالح برای نمایندگی مجلس میدانند بگذارید موافقت ایشان حرف های خود را بزنند و مجلس تضاد خود را بنماید.

اما این فکرها مخالفت بعضی نیز مواجه گردید زیرا از این فرصت باید استفاده های دیگری بشود و آن پست ریاست مجلس است. اگر تا باشد اعتبارنامه قی زاده بتصویب برسد لابد انتصابات هیئت رییسه شروع خواهد شد و معقدین به قی زاده از ایشان صرف نظر نخواهند کرد و مخالفت عباس اسکندری هم بر مقام و موقعیت ایشان افزوده است بنابر این نیم آن میروند که ایشان پست ریاست را اشغال کنند نکته همینجا است که موضوع را پیچیده و برنج ساخته و معلوم نیست چگونه و بچه صورت حل خواهد شد.

بالاخره پیش بینی ما صاحب بود و بهترین طریقی که میخواستند قی زاده را از اشغال پست ریاست محروم سازند همین بود که تهمت های باو بزنند و بدینگونه باید خود ایشان بیایند و از خود دفاع کنند و حال آنکه ایشان در مجلس مدافین بسیاری دارند که حاضرند بامنطق و دلیل بسطه هائی که شده است جواب گویند.

بلاوه نقشه دیگری استنباط می شود که هنوز بر ما روشن نیست و در صورت روشن شدن در اطراف آن بحث خواهیم کرد.

سیاست جهان

علاقمراجمت ناگهانی فیلد مارشال

هونتگمیری بلندن

دولت انگلستان در سال آینده ۱۰۰ میلیون پوند در تشراف قابل خواهد داد

دولت کارگری انگلیس عقیده دارند که باتمام مشکلات، جنگ روی نخواهد دان

دولت انگلستان در آخرین ماهت و در سه شنبه فیلد مارشال مونتگمیری وینس ستاد ارتش امپراطوری انگلیس و اینلندن احضار کرد مارشال مونتگمیری طبق برنامه مخصوصی که داشت قرار بود از لندن جدا شود و در آنجا بازرسال مارک از تورملات کند مونتگمیری پلانفلس از دیوانت دستور تلگراف کابینه انگلستان از تصمیم سابق خود صرف نظر کرد و بامداد روز چهارشنبه پاهوایی مخصوص خود بستن و پور و دملی رفت تا آنجا با هواپیما بلندن پرواز کند.

مافال لندن عقیده دارند که کویس ستاد ارتش امپراطوری انگلیس بودی در باره مراجعت ناگهانی خود بلندن اعلامیه ای صادر خواهد کرد.

وزارت جنگ انگلیس تا امروز از دادن هر گونه توضیحی خودداری کرده است و کلیه مسائل سیاسی انگلستان به بازواریت جنگ ارتباط نزدیکی خواهد داشت، حمایت مربوط به تیر کیروایا

که در محصولات این کشور روی داده دولت انگلستان و امپراطوری چهارمیران نوده است که کفر کیون نمایندگان کار گرانگلیس در پارلمان، بانفست وزیر ملاقاتی بمل آوردند و در باره این

امور باوی مذاکره کردند. بقرار معلوم در نتیجه این ملاقات دولت انگلستان تصمیم گرفته است که عده زیادی از سربازان زیر پرچم را مرخص کند تا این افراد در کار خانیات مشغول کار شوند و باین ترتیب هم از بودجه ارتش صرفه جویی کرده و هم بر محصول کار خانیات اضافه شود.

و چنانچه آقای متروک دالین وزیر دارائی انگلیس روز اول ژوئیه در مجلس عوام انگلستان اظهار داشت صادرات انگلستان اکنون بهیچوجه کفایت این را نمیکند که این دولت بتواند میلی بامریکا صادر نماید تا در برابر دلار بدست آورد.

بنابراین انگلستان تنها چاره ای که برای حفظ موقعیت اقتصادی خود دارد اینست که بر محصولات خود بانده از امکان یغزاید و این امر حاصل نمیشود مگر بامرخص کردن سربازان و استخدام کار گران جدید.

بقیه در صفحه هشتم

مجلس شورایی ملی

امروز نمایندگان مجلس نسبت به امت اندونزی ابراز احساسات نمودند و از رویه دولت هلند انتقاد کردند

آقای عباس اسکندری در جلسه امروز هفتم طرح اعتبارنامه آقای قی زاده بنام مخالف صحبت کرد و صلاحیت ایشان ابراز گرفت - بلافاصله پیشنهاد شد پرونده آقای قی زاده از دستور خارج شود

دو ساعت و ده دقیقه بظهر امروز چهارمین جلسه علنی مجلس پانزدهم تشکیل گردید.

صورت جلسه قبل خوانده شده آقای بین اسکندری توضیح دادند که در صورت جلسه نوشته شده نمایندگان آذربایجان بنوعی اعتراض از جنبه خارج شدند در صورتی که اینطور نیست - قیلا بگویم بنده خودم با اطلاع که از آذربایجان داشه و دارم عرض کنم که آذربایجان باین خودشان با دیگران فرقی نمی گذارند (صحیح است) و همه را برادر خود و ایرانی می دانند (صحیح است) موضوع دیگر اینکه خواستم عرض کنم قبل بنده از جلسه خارج شدم بعد سایر آقایان و آقایان نمایندگان آذربایجان جلسه را ترک کردند.

آقای د کتر متین دفتری نیز تذکر دادند که در صورت جلسه استرداد مخالفت بنده را طوری بگری نوشته اند در حال بنده تا به حال مخالف و احترام جایگاه کان آذربایجان مخالفم را پس گرفتم.

آقایان د کتر طبا و محمد ذوالفقاری نیز در این مورد که ایشان را جرعه آمدگان بدون اجازه نوشته بودند تذکر دادند که صورت جلسه اصلاح شود.

آقای د کتر متین دفتری نیز گفتند که در صورت جلسه نوشته اند نمایندگان آذربایجان از جلسه خارج شدند در حالی که کلبه نمایندگان وحشی خود آقای رئیس جلسه وارنگ کردند پس از این توضیحات صورت جلسه تصویب شد.

آقای ملک الشرای بهار اجازه تعلق قبل از دستور خواسته بودند و عده ای با نظر ایشان مخالفت داشتند بالاخره رای گرفته شد و مجلس اجازه داد نمایندگان بیانات قبل از دستور خود را ابراز کنند.

آقای ملک الشرای بهار هنگامی که در پشت تریبون قرار گرفت، از حله ای که یکی از ملل اسلامی جهان شده سخن راند و گفت بشر باین جنگ بزرگترین درداد تا از قلدری و زور گویی خلاص شود و خوشبختانه آن دست قوی ازین رفت و منشور ملل متفق تنظیم شد.

همه ما آرزو مند بودیم که پس

مبارزه دولت با آزادی قلم

آقای دهان نماینده خاخال عنوان توضیح اظهار داشتند بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مستحضرات اخیرا عده ای از نمایندگان و مدیران جراید بنام دفاع از حق ملت و بیان فساد دستگاهها که توفیق و تداوی شده اند، بطوریکه آقایان میدانند بر حسب پیشنهاد آقای محمد علی مسعودی آقای رئیس مجلس شورای ملی اقدام بعمل آوردند و عده ای از نمایندگان جراید آزاد شدند. با کمال تأسف دیده می شود که هنوز هم عده ای از مدیران جراید به زداشت هستند و این افراد را تمام حکومت ظلمی گرفته اند (آقای محمد علی مسعودی حکومت نظامی لازم نیست حکومت نظامی بهیچوجه لزومی ندارد و باید بماند (صحیح است) من میخوانم صدای خود را بآهرا می بلند کرده ام از مقام ریاست مجلس تقاضا کنم که بدولت تذکر بدهند که پیش از این جلو آزادی قلم را نگهروند و مدیران جراید را در بازداشت نگاه ندارد.

آقای عباس زرافعی نماینده کاشان از پیش آمد جلسه گذشته مجلس اظهار تأسف کرد و از وضعیت مقام نمایندگان آذربایجان سخن راند و پس از شرحی که در باره اندکری های پسران آقای جواد کلبه ای و خود ایشان بیان کرده و روحانی که نمایندگان شیعیه اولی آقای بین اسکندری برای رسیدگی پرونده اعتبارنامه نمایندگان سرباز مشغول شده بودند، اشاره نمود در پایان تذکر داد که مجلس نباید نیرو عقیده بکنند و جان آزادی را بآقو بیان بکنند و گت آقای دهانتان که اشاره به فعالیت دولت در جراید و آزادی کردند و همچنین سایر آقایان باید بمانند که ما نیز سربازان آزادی را بماند و خودمان این ابراز راندن داشته باشیم.

مجلس و ارد دستور شد آقای اوالیاسم امینی پیشنهاد کرد مجلس وارد دستور شود چون مخالف بود مجلس وارد دستور شد آقایان د کتر عیده و صداتی پیشنهاد کرده بودند اعتبارنامه های آقای قی زاده مقدم بر سایر اعتبارنامه ها مطرح شود و دستور قرار گیرد.

بقیه در صفحه هشتم

شورای امنیت امروز بقضیه اندونزی رسیدگی میکند

دولت شوروی با حضریت دول ایرلند و برتقال و ماوراء اردن در سازمان ملل مشق مخالفت کرد

در صورتیکه ۴۰۰۰ یهودی فراری بخاک فرانسه پیاده نشوند، دولت انگلیس اقدامات شدید تری اتخاذ خواهد کرد.

نماینده دولت هندوستان، در باره حوادث اندونزی، بسازمان ملل متفق مراجعه کرد

استرالیا طبق ماده ۷ منشور ملل متفق در خصوص تجاوز هلند بسازمان ملل رجوع کرد پاکستان از دولت اندونزی حمایت میکند - انگلستان در قضیه اندونزی بهیچوجه کمک نظامی بدولت هلند نکرده است

تروریستهای یهودی در وین و افسر انگلیسی را در کرانه دریای دار زدند

اتلی در باره حکومت جدید برمه و نقل ۷ نفر از وزیران آن کشور، در پارلمان سخن گفت - انگلستان مراقب اوضاع رومانی است - امور اداری منطقه متصرفی امریکادر آلمان بامورین اداری واگذار میشود

دولت یونان بکسی که سر «مار کوس» پیشوای شورشیان را بیاورد ۱۰۰۰ لیره جایزه میدهد

ایالت تراواتور به هندوستان ملحق شد - لرمونت باتن به کلکته رفت - حوادث ناآوار اخیر مصر مشغول فعالیت یک جمعیت سری بوده است

انکار او بغداد و تهران با تلفن با یکدیگر مربوط میشوند عده ای از دانشمندان شوروی برای کشف اورانیوم به آلمان آمده اند و برای آنکه کسی از اقدامات آنها مطلع شود، سکنه محل را کوچ داده اند

شورای امنیت ملل متفق امروز قضیه اندونزی رسیدگی خواهد کرد

رادیو خاور نزدیک - از توپورک خبر میرسد که اولین ماده برنامه جلسه امروز شورای امنیت ملل متفق رسیدگی قضیه اندونزی و اختلاف حکومت جمهوری اندونزی با دولت هلند میباید و این قضیه امروز از طرف اعضای شورای امنیت رسیدگی خواهد شد.

در جستجوی اورانیوم در آلمان رادیو یور - حزب سوشال دمکرات آلمان دیروز یک پایه انتشار داد و در آن تذکر داده که عده ای از مهندسين و کارشناسان شوروی از آن کشور چک از غلط مهم مدن اورانیوم و اقم در خاک آلمان رسیده اند تا فراین شط تحقیقاتی در باره اورانیوم بنمایند. علاوه عده ای از اهالی ده نشین این قاط باما که دیگر کوچ داده اند.

ورود ناو و جنگلشکی پانلایت تهران لندن - خام و جنگلشکی پانلایت، خواهر پانلایت ملل پرو که از طرف دولت هندوستان بمنت اولین سفیر تیر دولت هندوستان در آذربایجان تعیین شده است روز دوشنبه چهارم اوت وارد تهران خواهد شد تا از آنجا بسکو عزیمت نماید.

مخالفت شوروی با پیشنهاد امریکا در باب حل مسائل یونان واشنگتن - جاسون نماینده امریکا در شورای امنیت با اولیای هالیریه وزارت خارجه امریکا مجلس کنفرانسی تشکیل داد تا برای حل مسئله یونان با آن مشورت کرده راه حل دیگری بیابند

روز سه شنبه گذشته که روسیه با پیشنهاد امریکا دایره تعیین کیسیون دائمی برای نظارت در امور مرزی یونان مخالفت کرد جاسون اتفاقا کرد که تشکیل شورا تا روز پنجشنبه بتوقیف افتاد تا عده ای نظر دولتهای متبوع خود را استفسار کنند.

اعتراض دولت امریکا به روسیه واشنگتن ۷ مرداد ماه - لاوت یکی از معاونین وزارت خارجه امریکا امروز ضمن مصاحبه با راپاب جراید اظهار داشت که دولت امریکا بدولت شوروی اعتراض کرده که چرا دولت اخیر خود و اموالی را که دولتی آلمان و ایتالیا در کشورهای مجارستان و یوگوسلاوی داشته اند به روسیه انتقال داده است.

اعتراض امریکا دیروز به مولوتف وزیر خارجه شوروی تسلیم شده است.

خبر نگاری راجع ببقعه و جوهه مزبور از وی سوال کرد وی در جواب گفت مبلغ آن برای اعتراض امریکایی کافی بوده است.

انگلیستان نیروهای خود را از آلمان احضار میکند

لندن - خبر گزاری فرانسه - در جلسه فرا کیسیون پارلمانی حزب کار گر آقای اتلی نشست وزیر بریتانیای کبیر اظهار داشت که دستور ملل متفق نظامی و جوا گیری از مصرف ذخیره دلار دولت انگلیس مصمم است قوای خود را در ماه فور ۱۹۴۸ از منطقه اشغالی آلمان احضار نماید علاوه از ملل متفق که برای این منظور ابراد سود گفت

اولا - در انگلستان دولت متلانی وجود داشته و حکومت دولت کار گری ادامه خواهد داشت.

ثانیا - قبل از موعد قانونی در انگلستان انتخابات عمومی بعمل نخواهد آمد.

ثالثا - دولت و کشور انگلیس در مقابل سیاست امریکا آزادی خود را حفظ کرده و در این صورت پس از اشکالات مالی درین نخواهد بود و نیز انگلستان تحت طوع دلار واقم نخواهد شد.

رابعا - با عده پس اندازهای که در خارج نظامی صورت خواهد گرفت در قسمت واردات نفت و جیره بندی چنین مقصود میباید که هر صرفه جویی های لازم بعمل خواهد آمد و همچنین واردات ملل التجاره سخت تحت کنترل واقم خواهد شد و بالاخره از ۷۵ لیره بیکه میباید انگلیسی حق داشته همراه خود بخارج ببرند که نخواهد شد.

خامسا - بعضی از مقررات کار گری که قبلا عمل شده از این بیدارها و دولت برای طبقه بندی کار گران اهتمام کامل خواهد داشت.

سادسا - اصول و سیستم کابینه ملی تغییر داده خواهد شد.

فرذا، وقتی از خانه در آمدید این کار را حتما بکنید

یک شماره اطلاعات هفتگی بفرید زیرا مطالبی در آن خواهید یافت که می توانید در تمام مدت هفته و هر سه روز آن صحبت کنید.

بقیه در صفحه هشتم

مدت ها است این مادر و دختری بر سر يك موضوع اجتماعی بحث می کنند و هنوز این بحث به نتیجه نرسیده است.

كودك خانم زست يك پیرزن سرد و گرم چشیده بنود میگرد و بطاعت میگوید مادر، بالاخر من باید شوهر کند بر فرض هم که زن بتواند چند سالی بدون شوهر زندگی کند لیکن بالاخره باید شوهر کند؟ زن وقتی با به سال گذاشت؟ وقتی آب و روغن جوانی را از دست داد اگر شوهر نداشته باشد کارش زار است تو خیال می کنی همه مرد ها مثل این پدر سوخته هستند و تمام زن ها بر سر توشت خاور دچسار می شوند؟ مادر قدر این چندروزه را که از جوانی ات باقی مانده بدان و از شر شیطان پائین بیا.

طاعت - ترا بعد احراف از شوهر لرن که موهای بدنم سیخ می شود، اسم شوهر را نیار، شوهر بچه درد می خورد مگر من دیوانه شدم که پا دست خود کور خود را بکنم، به مادر حرف شوهر و ازین به شوهر از جن، از قول از هرچه از آن بدتر باشد بدتر است، من حاضرم که پیر بشوم، گرسنه بمانم، بی کس و سر پرست باشم، در خانه های مردم کلفتی کنم اما شوهر نداشته باشم. من چگونه می توانم شوهر کنم در صورتی که هنوز قیافه شیطان آن تا نیب در نظرم باقی است. هنوز وقتی شب ها چراغ را خاموش می کنم و می خواهم بخوابم لیکن صدای «سوسن» من جلو رختخواب من میخیزد، همان سوسن منم پنج ماهه بوسه آن لیکن هابنم می بختد. خاله جان، تو چرا غفلت کردی و مرا از چنگال مادر چنان بخت کردی؟

مادر زن، باز هم بگویم، من از جنس مرد گریزم زیرا می دانم که «خاور» بوسه مرد گمراه، بدبخت، بی نهایت پشه شد و بالاخره برای خاطر مرد با آن آفتضاح و رسوائی زیر خاک رفت...

آنهایی که كودك خانم و طاعت را می شناسند و یادر نزدیکی این مادر و دختر سکوت دارند خوب میدانند که گفتگو و مباحثه اندو زن یکی پیر و دیگری جوان، هنوز نمانده و معلوم هم نیست که بالاخره نتیجه ببرد.

جمال جوان لاابالی سواد چندانی نداشت ولی در نوشتن قیامت میگرد ساعت هفت و نیم یکی از روزهای تیرماه سال ۱۳۲۴ خاور کنار باغچه های خانه قدم میزد و هر یکی دودقیقه یکبار روی نیمه ای ها خم میشد و گل های را که خوش چندان دقتی پیش آب داده بود اصلاح می کرد.

آهسته آهسته کوبه در پیدا درآمد، کسی لای هوا باز شد، سروکه فرائش پست پا کف بزرگ سیاه رنگش نمایان گردید خاور تصور اینکه کافه پدرش از کرمانشاه رسیده بطرف درشتافت پاکت را از دست فرائش گرفت و باز کرد.

یکسال است که هر روز اول صبح سر راهت میایستم، انتظار می کنم که ماه رویت از آن پائین نایمان گردد.

بازار ناز و کرشمه میانی و بی لوری و هیچ متوجه نیستی که یکدل، یکدل آخته، بی تاب و تحمل برای دیدن تو سر راهت ایستاده است. آیکاش من بکنم کدا مردم تا وقتی چفت بین میافتاد و دل برسم می آمد و بادست ناز اینست صدته ای در دستم میگذاردی.

سال تحصیلی تمام شد و آیکاش زودتر از این تمام میشد. خبر دارم که در امتحان من موفق شدی و یکجورقه دیلم هم در وزارت فرهنگ بنام تو تهیه شده است.

دوران مدرسه و خواندن کتاب ها و قورم و ل های خشک و بی روح صبری شد و صوب هم شد که این دوره پایان رسیده. خدایا قورم و ل های ریاضی و هیمی جامد و خسته کننده کجا و مغر لطیف و پرمایه و دلخیزه چو جوان کجا؟! باید این برنامه ها را آتش زد و بدو ریخت و بر مغز خشک شورای تهیه برنامه ها لوید!

هزیزم، دوران مدرسه هر چه بود تمام شد، ازین بتوصیعت تمام کتابها و جزوه ها را بیدان عطاری می کوچه بده و از این پس یکبار دیگر در کتاب مرو، کتاب پستی، مجموعه افکار و اوامع یک مغز فرسوده را کتاب میماند. از این پس اگر

سرویش خاور



خاور لباسهای خود را پوشیده بود و برای آخرین بار جلو آینه ایستاد و یکبار دیگر زلف های خود را نگاه کرد. كودك خانم در حالی که با دمایان ها را پوست میکند سر خود را بلند کرد گفت: من که نمی فهمم چه بگویم، هر چه میگویم تو جواب سر بالا میدی.

هر چه باشد من بیشتر از تو هر کرده و پیشتر سرد و گرم روزگار را چشیده ام، مدتی است این پسر می آید و می رود تو هم هر روز عصر میروی کسی نمیداند کجا میروی؟ درست است که همه چیز مانده فرق کرده ولی این اندازه که هر کس هر کس را پسندید پیش از هر چیز و هر کس کفونی دست یکدیگر را بگیرند و هر جا دلشان میخواهد بروند مادر جان، متوجه رفتار خودت باش! هنوز مردم و لسان ما از کراتو با خبر نشده اند والا هزار مملکت از پشت سر ما خواهند رفت! اگر مادر بزرگت بفهمد یقه خود را چاک میزند و هزار نفرش هم بین و تو میدهد...

خاور دوره شاه و زوز کی نه مرسوم بود تا مدتی حاله زبک و پیره زبانی میزدن بایند و با نایب بگویند فرزند ما را بگوئی خود قبول کنی و از طرف دیگر بایستی دختر یک پسر خواستگاری او بیاورد مثل در دها بدو و در اینار با آشنی خانه قائم بشود و سپس با هزار آداب و رسوم مضحک دختر را میبردند و بدست یک هموالی ناشیانی میسپردند.

دختران امروز به آن آداب و رسوم پوسیده پشت پا زده اند! این قدر با لسی که خواهان آنهاست آمد و رفت نمیکند تا خوب او را شناخته و پسند کنند.

كودك خانم - خاور، این چه حرفی است، بطور می شود یک پسر و دختر جوان که پرده شهوت روی فکر و عقلشان افتاده مدتها با هم باشند!!

خاور - چه اشکال دارد، در خیلی از جاهای دنیا وقتی مراسم ازدواج شروع میشود...

كودك خانم - خاک بسم، خود را می کشم، بلکه تو هم خیال داری همین کار را بکنی!!

«سوسن» بچه خلی شیرینی بود و پنج ماه از هفت میگذشت.

خاور از غصه آب شده بود و در فکر از اطاعت بیرون نیامد و شب ها از فکر و خیال خواب نداشت.

سوسن هنوز شانزده ساله نداشت زیرا که از هفت تا هجده سالگی میخواستند که در خانه بماند و از آن وقت که در خانه بماند اول باید بفهمد کوبه پسر طفل کیست سوسن پسر قانونی نوشته است!!

خاور و سوسن هر دو از فکر و خیال پریشان می شدند و یادش بروزی می افتاد که جلو آینه ایستاده بود و مادرش باو میگفت چطور می شود یک پسر و دختر جوان که پرده شهوت روی فکر و عقلشان افتاده مدتها با هم باشند؟! خیالات مثل پرده های گوناگون یک قیام بر جاده از جلو چشم میگذشت زخم زبان ها و پور خند و مملکت های هسایه ها همه در خاطرش مجسم می شد و بنظرش میرسید که صبری زن یاسیانی که در همان کوچه سکوت دارد ابرو ها را بالا انداخته پوزخندی میزند سوسن را نگاه میکند و میگوید چقدر بچه های بی با با ملوس و قشنگ هستند!!

یادش به سکنه عبال هاشم آفا می افتاد که دوسه روز قبل در سه تازن دیگر باو گفته بود پس کار خیرش شروع میشود!!

این فکر و خیالات پریشان بقدری مغز خاور را فرسوده و اعصاب او را متشنج کرد که بالاخره سر و کار زن جوان به آگاهی و دادرسی افتاد.

رسوائی من بعدا درآمد... سوسن روز پسر روز شیرین تر میشد لیکن زخم زبانهای مردم مرا از پای در میآورد. دیوانه شده بودم و نیدانستم چه بکنم؟ پیش خود می گفتم اگر این بچه نبود من تا این اندازه رسوا نمیشدم.

خاور هم طاعت و مادر هم كودك خانم مست خواب بودند. من از دنده ای روی دنده دیگر میافتمد چشمام باز و به سقف تاریک اتاق دوخته بود. فکر میکردم، چه سرگذشت شوی داشتم: چطور یک مرتبه رسوا شدم؟ دوسال است بزم یادمه و از وقتی که داستان مرا برای او نوشته اند دیگر بکلی مرا فراموش کرده است...

سوسن حرکتی کرد؟ دست و پائی زد؟ دومرتبه آرام شد. دست روی پیشانی کشیدم دیدم پیشانی پر از هرق است؟ آهسته سر خود را پایین آورده پیشانی را بوسیدم لب های روی پیشانی او بود که مملکت ستری زن یاسیانی فشار سختی بر اعصاب وارد کرد:

«چقدر بچه های بی با با ملوس و قشنگ هستند» با سرعت لب از پیشانی سوسن برداشتم و لرزه ای را اندامم پدید شد و حالت ضعفی هارم زردید: مثل کیکه دچار وحشت شدمی شده باشد چشم هایم از جای گدازد. چشمی جلوشم مجسم شد!

سوسن سوسن بود! لیکن مسخره آمیزی میکرد! سوسن زبانش باز نشده بود اما بنظر من میرسید که سوسن میگوید من میوه نهال شهوت تو هستم؟ من آیدم تا ترا رسوا کنم؟ تسام من هستم روز بروز رسوائی میروی!! از وحشت بدست و پا افتادم و در هاله ای که دست هایم بطرف راست و چپ میرفت روی پهلوی راست افتادم دست چپم روی پیشانی سوسن قرار گرفت و دست راستم شروع به فشردن گلوئی او کرد!

مستطقی قرار میگریتم خاور را صادر کرد و پرورده او. بداد گناه رفت.

داد کله دستور پایکانشی هفت «چال» هر روز یک طور چشم مرا خیره کرد: من هم که با چشم بسته بطرف هلاکت میرنتم همه را قبول کردم.

«سوسن» و از اینم لیکن هنوز باور نمی کردم که رسوا شده ام. یکباره بزرگدین سوسن باقی بود که دیگر «چال» را هر چه سراغ می گرفتم پیدا نمیشد. تا مدتی مردم را قبول زدم و خیالات پریشان خود را تسلیت دادم و گفتم: ما مقدمه ای کرد ایم و بزودی جشن هروسی ما شروع میشود لیکن حقیقت را نمیشود مدت زیادی پوشیده داشت. چال با دختر دیگری ازدواج کرد و طبل

شوت «گراهی» «چال» هر روز یک طور چشم مرا خیره کرد: من هم که با چشم بسته بطرف هلاکت میرنتم همه را قبول کردم.

«سوسن» و از اینم لیکن هنوز باور نمی کردم که رسوا شده ام. یکباره بزرگدین سوسن باقی بود که دیگر «چال» را هر چه سراغ می گرفتم پیدا نمیشد. تا مدتی مردم را قبول زدم و خیالات پریشان خود را تسلیت دادم و گفتم: ما مقدمه ای کرد ایم و بزودی جشن هروسی ما شروع میشود لیکن حقیقت را نمیشود مدت زیادی پوشیده داشت. چال با دختر دیگری ازدواج کرد و طبل

شوت «گراهی» «چال» هر روز یک طور چشم مرا خیره کرد: من هم که با چشم بسته بطرف هلاکت میرنتم همه را قبول کردم.

«سوسن» و از اینم لیکن هنوز باور نمی کردم که رسوا شده ام. یکباره بزرگدین سوسن باقی بود که دیگر «چال» را هر چه سراغ می گرفتم پیدا نمیشد. تا مدتی مردم را قبول زدم و خیالات پریشان خود را تسلیت دادم و گفتم: ما مقدمه ای کرد ایم و بزودی جشن هروسی ما شروع میشود لیکن حقیقت را نمیشود مدت زیادی پوشیده داشت. چال با دختر دیگری ازدواج کرد و طبل

شوت «گراهی» «چال» هر روز یک طور چشم مرا خیره کرد: من هم که با چشم بسته بطرف هلاکت میرنتم همه را قبول کردم.

«سوسن» و از اینم لیکن هنوز باور نمی کردم که رسوا شده ام. یکباره بزرگدین سوسن باقی بود که دیگر «چال» را هر چه سراغ می گرفتم پیدا نمیشد. تا مدتی مردم را قبول زدم و خیالات پریشان خود را تسلیت دادم و گفتم: ما مقدمه ای کرد ایم و بزودی جشن هروسی ما شروع میشود لیکن حقیقت را نمیشود مدت زیادی پوشیده داشت. چال با دختر دیگری ازدواج کرد و طبل

شوت «گراهی» «چال» هر روز یک طور چشم مرا خیره کرد: من هم که با چشم بسته بطرف هلاکت میرنتم همه را قبول کردم.

«سوسن» و از اینم لیکن هنوز باور نمی کردم که رسوا شده ام. یکباره بزرگدین سوسن باقی بود که دیگر «چال» را هر چه سراغ می گرفتم پیدا نمیشد. تا مدتی مردم را قبول زدم و خیالات پریشان خود را تسلیت دادم و گفتم: ما مقدمه ای کرد ایم و بزودی جشن هروسی ما شروع میشود لیکن حقیقت را نمیشود مدت زیادی پوشیده داشت. چال با دختر دیگری ازدواج کرد و طبل

شوت «گراهی» «چال» هر روز یک طور چشم مرا خیره کرد: من هم که با چشم بسته بطرف هلاکت میرنتم همه را قبول کردم.

«سوسن» و از اینم لیکن هنوز باور نمی کردم که رسوا شده ام. یکباره بزرگدین سوسن باقی بود که دیگر «چال» را هر چه سراغ می گرفتم پیدا نمیشد. تا مدتی مردم را قبول زدم و خیالات پریشان خود را تسلیت دادم و گفتم: ما مقدمه ای کرد ایم و بزودی جشن هروسی ما شروع میشود لیکن حقیقت را نمیشود مدت زیادی پوشیده داشت. چال با دختر دیگری ازدواج کرد و طبل

شوت «گراهی» «چال» هر روز یک طور چشم مرا خیره کرد: من هم که با چشم بسته بطرف هلاکت میرنتم همه را قبول کردم.

«سوسن» و از اینم لیکن هنوز باور نمی کردم که رسوا شده ام. یکباره بزرگدین سوسن باقی بود که دیگر «چال» را هر چه سراغ می گرفتم پیدا نمیشد. تا مدتی مردم را قبول زدم و خیالات پریشان خود را تسلیت دادم و گفتم: ما مقدمه ای کرد ایم و بزودی جشن هروسی ما شروع میشود لیکن حقیقت را نمیشود مدت زیادی پوشیده داشت. چال با دختر دیگری ازدواج کرد و طبل

شوت «گراهی» «چال» هر روز یک طور چشم مرا خیره کرد: من هم که با چشم بسته بطرف هلاکت میرنتم همه را قبول کردم.

«سوسن» و از اینم لیکن هنوز باور نمی کردم که رسوا شده ام. یکباره بزرگدین سوسن باقی بود که دیگر «چال» را هر چه سراغ می گرفتم پیدا نمیشد. تا مدتی مردم را قبول زدم و خیالات پریشان خود را تسلیت دادم و گفتم: ما مقدمه ای کرد ایم و بزودی جشن هروسی ما شروع میشود لیکن حقیقت را نمیشود مدت زیادی پوشیده داشت. چال با دختر دیگری ازدواج کرد و طبل

شوت «گراهی» «چال» هر روز یک طور چشم مرا خیره کرد: من هم که با چشم بسته بطرف هلاکت میرنتم همه را قبول کردم.

بقلم آقای عباس خلیلی

فلسفه تاریخ اسلام

میل بشری

شکیا بود. حضرت پیغمبر زن های متعدد اختیار فرمود. مسئله تعدد زوجات و افزودن نسل یکی از بزرگترین مسائل اسلام است که دارای يك فلسفه بی تندی میباشد.

تعدد زوجات هر چند ظاهر ابزاری تنوع بلذات است و لای فلسفه آن ازدیاد نسل است. مسئله نسل ختی برای حیوانات بسیار مهم و نافع میباشد.

امروز این فلسفه در حلال شدن سردمدت و قابل اهتمام ملل است زیرا انکفا يك زن نسل را محدود میکند و زن چه در حین حمل و چه در وضع آن دچادر شیر دادن كودك همواره مبتلا میباشد، از مطالعه در حیات حیوان معلوم میشود که يك نر برای چندین ماده کافی میباشد.

از دیاد نسل حیوان اهلی یکنوع نفع مهم دارد، مثلاً مگ کب یا ما کول یا موادی که از حیوانات برای حیات انسان مفید است قیست دارد زیرا اقتصاد بشر بر یک قسمت از جانور است و در خوراك و چه در پوشاک و چه در تسریم

سفر و چه در حمل و نقل پس هر که هر نوع حیوان اهلی مفید دارد بشکلی نسل آن میکوشد که از قزوی عدد بهره مند خود.

بالطبع انسان بیشتر از حیوان قیست دارد و حمل انسان با فکسر و تعدد نر از حیوان بی فکرات.

بنابر این هم قدر عدد انسان بیشتر شود برای خانواده باطایفه یاقوم یا ملت بهتر است. پیشتر کرم مسئله نسل اهتمام میفرمود که می گفت: دتا کماو تناسلا با می یکم الام بوم اقلیه و لو بالقتل پس مسئله نکاح و ازدواج از حیث افزایش نسل بسیار مهم است.

هر ملتی که امروز از حیث عدد فروتر است نیرومند تر است. از این گذشته نوع مرد بیشتر در معرض خطر است چنانکه در این جنگ و چنگهای پیش تلفات ذکور هزار برابر تلفات اناث بوده.

دوایران هم مسئله ازدیاد نسل بسیار مهم میباشد که چندی پیش بواسطه وسعت زمین و وقت طلوس در عدد آوردن و سکری دادن ملل خارج بود و ولی از یک وقت کنونی دوام باید همین نسل زبون کنونی برای این کشور ویران زانده میباشد و رجالی که امروز شتون اجتماع را اداره می کنند فلسفه اسلام را قبول ندارند و چندان عملی نمایند و اگر حال بدین منوال بگذرد قوس ایران اقل از اقل خواهد بود.

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

خانه خدیجه تا کنون سه روف است و در آن يك سنگ بزرگ که طول آن بیش از یک کت و عرض يك کت است است نصب شده حضرت پشت آن سنگ پناه میبرد زیرا از خانه ای لب لبم پیشین و خانه حبراء قلی سنگ و تیر بآن بزرگوار میانداختند. اذیت و آزار آنها قابل تحمل نبود و خدیجه با آن حضرت همدردی میکرد و با نهایت ایمن و ریلیات و معن آن زمان

این روایت از احمد الباهر شده که علی علیه السلام از قول رسول خدا نقل فرموده: که من (معهده) هنگامی که شبان بودم قطعی که شب حساب میل بشری پشت نشینی مایل شد. گله را بشبان دیگری سپرده شبانه شهر رفتن، گروهی دیدم سر گرمی و چنگ بودند، پرسیدم این طرب برای چیست، گفتند فلان یا فلانه ازدواج کرد و این چنین زفاف آنهاست من در همانجا غنودم، از خود بی خبر بودم تا اینکه حرارت آفتاب مرا بیدار نمود.

باید چنین گفت حضرت پیغمبر بر حسب میل بشری درصدد ازدواج بر آمد صدق و امانت محمد که پیش از این ذکر شده در تجارت کاملانایات کردید، درمکه بیوه زنی صاحب ثروت و جاه و جلال بود بازرگانان از دارایی وی بهره مند می شدند، سفر پیغمبر بشام و اشتیاق آن بزرگوار صدق و امانت موجب شد که آن زن قسمتی از دارایی خود را تحت اختیار ایشان بگذارد.

محمد (ص) با طاق غلام آن زن بشام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر نزد خود بخت، دختری او را برای برادرزاده خود خواستگاری نمود، نام آن زن با دختر خود که صاحب مال و جاه بود خدیجه بود که در میان رجال خواستگاران بسیار داشت، باین ازدواج مایل شد و عقد و زفاف انجام گرفت.

پنج سال پس پیغمبر در آن زمان بیست و شام رفت و کالا برد و متاع آورد، سود بسیاری عاید گردید، سهم خود را برداشت و حق آن زن را بگذاشت، آن زن امانت و صدق را که شنیده بود عیاناً دید، خود را بعدد پیشنهاد کرد که با او ازدواج نماید، حرم هم پیغمبر

For Adults and Children

BROOKLAX

CHOCOLATE LAXATIVE

بروکلکس یگانه شکلات مسهل بی ضرر است

مرکز فروش عمده شرکت سهامی دارویی سلامت ناصر خسرو - تهران

شب نشینی باشکوه

هفتشنبه ۱۰ مرداد که مصادف باشب تولد حضرت امام حسن مجتبی می باشد مجلس شب نشینی باشکوهی بنعم آسب دیدگان اردیبه از ساعت ۸ تا صبح در تراس زیبای هتل باغی برقرار خواهد بود برنامه جالبی برای این شب تهیه شده و بانو روحی شاد خواننده شیرانشارا شرکت خواهند کرد. محل فروش کارت - مغاره های فرد - آیتا - سلو - و دفتر هتل پلاس. ۵۳۰۸-آ

مؤده بدانشجویان زبان انگلیسی

چاپ چهارم خود آموز انگلیس کلاس برومند باضم کچک بلی بازاریابی بیشتری از جهت زیبایی چاپ و غیره از چاپ خارج شد بهادر تمام کشور جهت دریافت از فروش ناصر خسرو - شعبه ششمی - لستان. ۳۰۱ ۵۲۹۴-آ

انتخاب جناب آقای امیرحسین ظفر مختاری را که یکی از شخصیت های برجسته کشور میباشد، به هیئت کی دوه بااردم مجلس شورای ملی پیوسته اهالی محترم دزفول صوبه - تبریک میکنیم - متصور صبا ۵۲۹۵-آ



سرویس هفتگی از فرانسه

تهران بغداد - بیروت - آن - پاریس - لندن و تمام نقاط گیتی

مرکز از تهران و دوری چهارشنبه

روز پنجشنبه باطریق فرماید

شرکت سهامی لوان تور

مدیران فردوسی تلفن ۵۵۱۷ ۹۳۶۱ ۳۰۱



از تعطیلات هفته آینده استفاده فرمائید

اتوکارهای نوکس و مبلای ایران سیرا ۱۴۵ ریال شما را باطلافت خیرت همدمان برسانند خیابان سپه کاراژ شیشه دفتسر ایران سیر ۴۴۷۲-آ ۵۲۹۹-آ

۱۰۰۰ ریال مؤد گانی

ظهور روز هفتم ششم مردادماه ساعت ۱۴ بین کانه و وستوران ادب (لئون) و هتل نادری ارائه درخشان نادری کیف بلی که محتوی یک جواز اقامت شماره ۳۹ صادر از اراک - یک چک نه از اعتبار ماقطعه چند عکس خانوادگی و چند صورت حساب که فقط برای این جانب ارزش دارند و همچنین در حدود ۸۰۰ ریال وجه نقد بود مقنود شده از جوینده ناعدا میشود نه وجه نقد را برداشته بقیه را تحویل مدیر کانه وستوران ادب (لئون) داده و مؤد گانی در یافت دارند. ۵۲۹۶-آ ۳۰۱

بارسام مومجی

PATE GINGIVALE A L'ACETYLARSAN

خیر دندان استیلارسان که بهترین شیر دندانهای دنیا برای جلوگیری از امراض عفونی دهان مخصوصا پیوره میباشد و آورده شد. داروخانه میروس - خیابان شاه - تلفن ۴۰۷۵ ۵۲۹۷-آ ۳۰۱

آگهی

شرکت سهامی ایران تاکسی بنظور اجرای برنامه تاکسی رانی در تهران و اتو سوانی در خطوط خارج تهران تمهیدی اتومبیل لوور انگلیسی و شاسی اتو سوانی به رانندگان به بهای فروش کنونی وارد گشته با ایجاد تسهیلات معامله میشود. ۵۳۱۳-آ ۳۰۱

برای ملا کره ملاحظه شرائط مه روزه دفتر موقتی شرکت واقع در خیابان سدی «شرکت اتوروان» بلاک شماره ۳۳۶ از ساعت ۵ تا ۱۰

شرکت سهامی ایران تاکسی

۵۰۱

یک دستگاه فسه چوب جنگلی آینه دار با ویرین تمام فسه فروش میرسد. طالبین به اول خیابان امیری به روبروی کوچه داشکدها فسه چوب منزل آقای خلیلی مراجعه فرمائید. ۵۱۵۱-آ ۳۰۱

آگهی

بدینوسیله باطلاع صاحبان محترم سهام شرکت سهامی روشنائی میرساند برای اخذ سود سال ۱۳۲۵ از تاریخ شنبه ۳ مرداد بدین روشنت مراجعه و طبق تصویب مجسم همگانی مورخه ۲۵ تیرماه ۱۳۲۶ سود و بزه سهام را مطابق مقررات اساسنامه دریافت فرمائید.

شرکت سهامی روشنائی کرمانشاه - محدود ۵۲۵۲-آ ۳۰۱

آخرین قسمت کتاب «شرح زندگانی من»

قسمت دوم از جلد سوم (شرح زندگانی من) نکارش جناب آقای «عبدالله هستوفی» از چاپ خارج شد. این قسمت، دارای ۵۳۶ صفحه و ۱۰۰۰۰ کلمه و دارای ۱۳۲۶ کلمه است. می باشد که با قسمت اول این جلد که در سال قبل منتشر شده است، چنانچه دارای ۸۹۹ صفحه می باشد.

این کتاب، با کاغذ اعلا چاپ شده در صحت آن منتهای سعی بکار رفته و میتوان گفت از مبدعات دیرینه بهتر شده است. ما در این جا، حاجتی بمرئی این کتاب نداریم زیرا خوانندگان گرامی اسلوب شیرین نکارش نویسنده محترم را می شناسند همین قدر بسا کمال افسوس باید اعلان کنیم که این، آخرین قسمت از تاریخ اداری و اجتماعی دوره «قاجاریه» است که به قلم شیرین نویسنده فاضل، بدسترس عموم نداشته می شود زیرا با این ۵۳۶ صفحه نویسنده محترم تاریخ دوره قاجاریه را با تمام وسایله و

محل فروش، کتابفروشی های: ابن سینا، دانش، اقبال، معرفت و سایر کتابفروشی های تهران و نمایندگان متعدد علی عمی در شهرستانها بهاء ۱۲۰ ریال بهای دوره کامل آن ۶۰۰ ریال ۵۲۷۱-آ ۳۰۱

آگهی

باطلاع آقایان همشهریان محترم میرساند که مجمع توسر کانیان مقیم تهران روزهای پنجشنبه و شنبه ۶ و ۷ مرداد در محل «ایستاد» واقع در خیابان انتظام دایر میباشد. منعی است روز های مزبور برای شرکت در مذاکرات حضور بهرسانند. ۵۲۷۰-آ ۳۰۱

زهره - جمیله

پارسی جدیدی از صنعت رقص و تفریح استانبولی با تمام بهترین صفتها رقص بومانی برای این شرکت رسید خیابان شاهرضا چهار راه کاخ شرکت رادبو قام ۵۳۰۷-آ

CINZANO

سین زانو (سین زانو و)

ورموت معروف همه جا و در همه جهاز

بزودی در معرض فروش گذارد

خواهش شد

ورموت «مینی زانو» را بخواهید

نه ایندگان انتصاری در ایران

ابراهیم یوسف سعد و اولاده

خیابان سدی - تلفن ۵۰۰۸ - ۵۲۹۴

آگهی

شرکت سهامی روشنائی شاهرود عموم سهامداران خود محترما ۲ کپی میدهد که مجسم همگانی هادی سالانه شرکت سه ساعت بعد از ظهر چهار شنبه ۲۸ مردادماه ۱۳۲۶ در مرکز شرکت (شاهرود کارخانه چراغ برق) تشکیل میشود شایسته است آقایان سهامداران شخصا یا بوسیله نماینده ثابت الوکاله خود در روز و ساعت بالا حضور بهرسانند و دستور جلسه شرح زیر است:

- ۱- شنیدن گزارش هیئت مدیره و بازرسان راجع بهایات و معایبات سال گذشته و اوضاع مالی آن.
- ۲- شور و تصویب گزارشها و معایبات سال مالی ۱۳۲۵
- ۳- برگزیدن هیئت مدیره و کارمندان علی ایحد و بازرسان شرکت
- ۴- تعیین تکلیف سود و بزه
- ۵- تصویب اعتبارات لازم برای هزینه های سال جاری ۱۳۲۶
- ۶- شور و تصمیم درموضوع پیشنهادها و نظریات هیئت مدیره در اطراف امر در شرکت.

۵۲۹۳-آ رئیس هیئت مدیره - علی محمد عومن زاده

تقویم اطلاعات

۱۳۲۶ ۸ مرداد
۱۲ رمضان المبارک ۱۳۲۶
۱۹۴۷ ۳۱ ذی
اذان صبح ۸ ساعت و ۲۳ دقیقه
طلوع آفتاب ۱۰ ساعت و ۱۰ دقیقه
ظهر ۶ ساعت و ۵۵ دقیقه
توپ: سحر:
۳۰ ساعت و ۱۷ دقیقه بعد از نیمه شب
صباح ظهر نوب

بهای اشتراک

تهران و شهرستانها
سالانه ۶ ماه ۳ ماه
۱۱۰ ۲۱۰ ۴۰۰
خارج ۶۰۰ ۳۶۰
بهای آتشی هاسطری ۱۰۰ ریال

جای اداره خیابان خیام
معاون تلفرانی: تهران اطلاعات
تلفن اداره: ۴۶۷۲-۴۶۷۷-۵۵۲۹
منزل مدیر: ۴۷۳۴



بنک ملی ایران

درجه حرارت

روز ۶ مرداد
ساعت ۷ صبح ۳۲ درجه بالای صفر
ساعت ۱۳ ۳۸ درجه بالای صفر
ساعت ۲۱ ۳۰ درجه بالای صفر
حد اقل ۲۱ درجه بالای صفر
حد اکثر ۳۹ درجه بالای صفر



روایتی از تاریخ کشور که...

نک کرشن
شماره ۱۸۱۸ نگاه میدارد

دوره اول دبیرستان
افتتاح گشت
در یکسال باسید کنی ۱۰۰۰
ریال جابره نقدی قانون فرهنگ ملت
چهار راه کونندک ۵۲۹۸-آ

کم خرمترین یخچال دنیا
مفازه ۱۰۰۰ ریال در روز و در شرکت بیمه
۵۳۰۳-آ ۳۰۱

شرکت سهامی بار لانی کاوش و معادن در خیابان بوذرجمهری برای
حافظ احتیاج به یک نفر ماشین نویس فارسی دارد طالبین با درس بالا
مراجعه کنند. ۴-۴ ۴۹۶۳-آ

دوباب مفازه واقع در خیابان سپه لدرتی خان اول خیابان روزولت
که یکی از آن مفازه بیش و یکی داخل خیابان روزولت میباشد اجازه داده
میشود طالبین به تلفن ۶۲۴۱ مراجعه نمایند ۵۲۸۴-آ

مهر ثبت اینجا معبد باقر سرود رضوی از تاریخ خرداد ماه
جاری مقنود شده هر نس پیدا سوده است به مفازه آقای صاری واقم در
امیری بهده و مؤد لانی دریافت نماید ضمنا از تاریخ مزبور بعد هر مندی
و کاغذی (به مهر) کم شده ابراز خود از درجه اعتبار ساقط است. ۵۲۷۵-آ

برای انجام فوری معاملات ملکی
(خرید و فروش) و نیز در صورتی که طالب معامله شرطی مطمئن باشید
رجوع فرمائید لالازار تلفن ۹۷۸۴ به بنگاه بازرگانی کوشان
۵۲۵۳-آ

مادام دلوید بان
کلاسهای درس انگلیسی خصوصی و عمومی
نشانی: شاه آباد باساز سینما اعلی ۵۲۷۶-آ

خبرهای

سازمان شهائتنامه

خدمات اجتماعی
۱- آقای: تاشمن هریضه ای
که حضور والا حضرت شاهدخت اشرف
پهلوی عرش نموده پیشنهاد هلی
کرده است که دستور فرموده اند در
کیسبور: های مربوط مورد بررسی
قرار گیرد.

۲- آقای حسین یکم و دانشجوی
سال سوم دانشگاه و کارمند اطاق
بازرگانی طبق هزینه ای که بحضور
نیات ریاست عالی عرض کرده و اطلب
شده است که قسمتی از اوقات خود
را برای انجام منظور سازمان صرف
نماید پیشنهاد نوع پروانه ایشان
مورد قنردانی واقم شد و نامشان
یادداشت گردید که بوقم از وجود
ایشان استفاده شود.

۳- آقای سیداسداله کلسرخ
منیر هریضه ای از حضور والا حضرت
شاهدخت اشرف پهلوی تقاضا نموده
است که بجای حاضر استروزی دو
ساعت برای سازمان خدمت کند مقرر
فرمودند نام او یادداشت و بوقم
از افکار نوع پروانه ایشان استفاده
شود.

۴- آقای ناصر کووه چنان
هزیش تقاضا کرده حاضر است با شام
هایی بنعم سازمان تهیه و تقدیم
نیت خیر ایشان مورد قنردانی واقم
شد تا در موقع از ایشان استفاده
شود.

۵- اهالی بلوک پرژا و تدارکستان
۱۶ فرسنگی اصفهان بوسینه وزارت
بهاری و وزارت کشور استدعا
کرده اند که یک درمانگاه در آنجا
ساخته شود چون دوسال جاری اعتباری
برای این منظور موجود نبود جواب
داده شده که در سال آینده راجع به
این موضوع اقدام مقتضی خواهد شد.

۶- کیسبور فنی و جراحی
روز دوشنبه ۶ مردادماه ساعت ۱۲
در حضور والا حضرت شاهدخت اشرف
پهلوی تشکیل یافته و در امور جاری
مدا نره عمل آمد.

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای حاج محمد جعفر رضاحان
مختصر ترقی سودمظنه چلوار بهشهر
جاری باشی بارگاه یکبرک استشهد
که باقیه عده از شهود رسیده و در
اداره فز حضورا شهادت داده اند و
است که دو جلد سند مالکیت شش دانگ
پلاک ۵۷۴۱ بخش هشت ندر دفتر
املاک جدید ۱۱۶ ثبت ۱۲۷۸ و صفحه
۳۸ بنام آقای یاقه لر پری زنده صادر
و تسلیم و بعدا با ایشان منتقل گردیده
مقنود شده است و ضمنا که در میده
که هیچگونه معامله اعم از قطعه و
شرطی و غیره نسبت با آن انجام نداده اند
و پرونده و دفتر املاک مز پیش از
این حکایتی ندارد مراتب بدستور
نیمه یک الحاقی بناده ۱۲۰ بدین
وسیله آگهی میشود که هر کس نسبت
به یک مد لوزهر بوع معامله کرده باشد
از تاریخ نشر اولین آگهی نادوامه
بدانرا شرق نیت تهران مراجعه و
مدارک خود را ابراز دارد والا پس
از انقضای مدت و عدم مراجعه انش
سند بنام شارالیه صادر و تسلیم خواهد شد.

نوبت سوم ۲۲۶۵۸۵
رئیس دایره شرق نیت تهران
۳۷۰۱-آ

اتو فولان
برای تمیز لنت اتو بوس رانی خط
(۲۰) انتخاب شده است. علی عظیم پور
۵۳۰۱-آ

شرکت سهامی بار لانی کاوش و معادن در خیابان بوذرجمهری برای
حافظ احتیاج به یک نفر ماشین نویس فارسی دارد طالبین با درس بالا
مراجعه کنند. ۴-۴ ۴۹۶۳-آ

دوباب مفازه واقع در خیابان سپه لدرتی خان اول خیابان روزولت
که یکی از آن مفازه بیش و یکی داخل خیابان روزولت میباشد اجازه داده
میشود طالبین به تلفن ۶۲۴۱ مراجعه نمایند ۵۲۸۴-آ

مهر ثبت اینجا معبد باقر سرود رضوی از تاریخ خرداد ماه
جاری مقنود شده هر نس پیدا سوده است به مفازه آقای صاری واقم در
امیری بهده و مؤد لانی دریافت نماید ضمنا از تاریخ مزبور بعد هر مندی
و کاغذی (به مهر) کم شده ابراز خود از درجه اعتبار ساقط است. ۵۲۷۵-آ

برای انجام فوری معاملات ملکی
(خرید و فروش) و نیز در صورتی که طالب معامله شرطی مطمئن باشید
رجوع فرمائید لالازار تلفن ۹۷۸۴ به بنگاه بازرگانی کوشان
۵۲۵۳-آ

مادام دلوید بان
کلاسهای درس انگلیسی خصوصی و عمومی
نشانی: شاه آباد باساز سینما اعلی ۵۲۷۶-آ

گزارش اوقات ادب هفتگی

بانک ملی ایران راجع ببازار تهران

بازار مبنی از کالاهای وارداتی
ماتد هفته قبل در نتیجه افزایش بهای
کواهی نامه ارزی محکم بنظر میرسد
و مظنه چند نام آنها بهای ذیل سوس
هر صندوق از ۱۵۷۰۰ ریال به
۱۵۸۰۰ ریال رسیده.

معاملات قیم مختصر جریان داشت
و هر کیلو بین ۱۱۰ تا ۱۱۲ ریال
دادوستد شد.

بازار چای صلت زیادی زمینه
صبت یافته ذیل تقریری پیدا نکرد
هفته چای چنی هر کیلو از ۲۳ تا
۹۵ ریال و چای معمولی هندی در
حدود ۱۳۰ ریال در حدود مصرف
معامله شد.

مات توزیع کوبن در تهران بازار
قند و شکر چندان رونق نداشت و مظنه
شکر هر کیلو ۴۸ ریال و قند بین
۵۴ و ۵۶ ریال معامله شد.

معدن فروشی آهن آلات رونق
داشت و معاملاتی جهت مصرف ساختنی
عمل آمد مظنه تیر آهن جوهر کیلو
۱۴۵۰ ریال و آهن لوله مقنود چور
از ۳۰ تا ۳۳ ریال و آهن ورق مقنود
موجی بین ۳۵ و ۳۶ ریال خریدار
داشت.

معاملات دواجات نسبت یافته قبل
تقریری بنمود فقط مظنه سولفات دو کین
بلیت کمی زمته هر کیلو تا ۳۵۰۰
و بال در حدود مصرف معامله شد.

بازار بنه بلیت صدور خارج
کندور بنظور تبدیل بکاش محکم و
و در این هفته نیز از طرف درخاجات
و بسند فی خریدهای تازه ای عمل آمد
بنه فیستامی ۴۳ ریال و بنه آمریکایی
۲۲ ریال و بنه بوی ۲۰ ریال معامله
شد.

بهای نخ و ریمان نسبت یافته قبل
تقریری پیدا نکرد و مظنه نخ ۲۰۰
تا حدود ۶۸ ریال دادوستد شد
و معاملات شیشه مقنود - رونق
داشت شده و میلشتری بیکر هر متر مربع
تا ۸۹۵ ریال بود.

بازار شاهی بنی فعالیت داشت و
بعضی از افراد آن نسبت یافته بهیل
مختصر ترقی سودمظنه چلوار بهشهر
جاری باشی بارگاه یکبرک استشهد
که باقیه عده از شهود رسیده و در
اداره فز حضورا شهادت داده اند و
است که دو جلد سند مالکیت شش دانگ
پلاک ۵۷۴۱ بخش هشت ندر دفتر
املاک جدید ۱۱۶ ثبت ۱۲۷۸ و صفحه
۳۸ بنام آقای یاقه لر پری زنده صادر
و تسلیم و بعدا با ایشان منتقل گردیده
مقنود شده است و ضمنا که در میده
که هیچگونه معامله اعم از قطعه و
شرطی و غیره نسبت با آن انجام نداده اند
و پرونده و دفتر املاک مز پیش از
این حکایتی ندارد مراتب بدستور
نیمه یک الحاقی بناده ۱۲۰ بدین
وسیله آگهی میشود که هر کس نسبت
به یک مد لوزهر بوع معامله کرده باشد
از تاریخ نشر اولین آگهی نادوامه
بدانرا شرق نیت تهران مراجعه و
مدارک خود را ابراز دارد والا پس
از انقضای مدت و عدم مراجعه انش
سند بنام شارالیه صادر و تسلیم خواهد شد.

دادر سند قاش بلیت بلیت وادی
زمینه چندان رواج بود و بازار
پارچه های ابریشمی را نه بود.
از اجناس خوابار مظنه رنج
و روغن کرمانشاهی محکم بود رنج
صدری هر کیلو بین ۱۴۰ و ۱۴۵ ریال
و روغن کرمانشاهی ۹۲ ریال و مظنه
کند و جو بنی تیر هر سید کیلو ۱۲۰
و ۷۰۰ ریال در حدود مصرف معامله
شد.

بازار کالاهای صادراتی چندان
فعالیتی نداشت. معاملات پوست چندان
رونی نداشت و صادر کنندگان
محصول سال قبل را - جمع آوری
نموده تا بتدریج صدور آن بردازند
مظنه پوست نبود شیراز هر جفت ۶۵
ریال و پوست سیاه شیراز هر جفت
۲۷۰ ریال بود.

معاملات فرش بر کوه هفته های
قبل باقی بود.

بازار تیرا تغییر محسوس نبود
صادر کنندگان به جمع آوری آن راجع
بودند.

دانه های روغنی با مظنه های
هفته قبل برای صدور خارج خریدار
داشت. خمشاش کیلویی ۱۲ ریال
کرچک ۱۴ ریال انجید بین ۱۸ تا ۱۸

و بال معامله شد.

بازار خشکیار بی رونق نبود و
بازرگانان مشغول تهیه و جمع آوری
آن میشادند.

داد و ستد مسکوک طلا در این
هفته نسبتا رواج بوده و پهلوی در
یادار آزاد مناطق مظنه بانسک از
قرار ۶۰۰ ریال خریدار داشت

از لوامی نامه ارزی مظنه دلار
صست و رویه نترل بود در آخرین
مظنه آنها بقرار بود.

کوامی نامه دلار ۶۰۰ ریال
کوامی نامه لیره مدیم (خبر ۱۵
ژوئیه) ۲۲۰ ریال کوامی نامه لیره
جدید (پند از ۱۵ ژوئیه) ۲۳۶
ریال فرانک صادراتی ۱۶۶ ریال

نرخ نترل در بازار با امضاهای
درجه یک از ۱۸ درصد تا ۲۱ درصد
و با امضاهای درجه دوم از ۲۴ درصد
تا ۳۰ درصد بود.

